

با نگاهی به روند سیاسی رو به بهبود سال گذشته جامعه جهانی در مذاکرات هسته‌ای - البته نسبت به سال‌های پیش - می‌توان حضور بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی را در بخش‌هایی چون نفت و گاز پیش‌بینی کرد. اما در سایر بخش‌های تولیدی کشور این چشم‌انداز قابل انتظار نیست. از بُعد سرمایه‌گذاری داخلی، شاخص‌های بازار سرمایه تا واپسین روزهای سال ۸۹، تغییر قابل ملاحظه‌ای را نشان ندادند، اما این موضوع برای سال جاری پیش‌بینی نمی‌شود. قطعاً بخش‌های فولادی و سیمانی در کشور با کاهش سود مواجه می‌شوند و از آنجا که بخش اعظمی از تغییرات شاخص، مدیون بخش‌هایی از این قبیل است، سال آینده شاخص دستخوش تغییر خواهد شد. این احتمال وجود دارد که شاهد فروش سهام شرکت‌هایی از این قبیل در بازار باشیم که این امر، حضور شبه دولتی‌ها را در بازار سرمایه به دلیل نبود بخش خصوصی قدرتمند در کشور، پُررنگ‌تر می‌کند. در عین حال، سهام شرکت‌هایی همچون مخابرات، بانک‌ها و بیمه‌ها که به انرژی وابسته نیستند، طرفداران بیشتری پیدا می‌کند و این موضوع، توازن بازار را به هم

خواهد زد.

حضور سرمایه‌گذاران جدید هم با توجه به ابهام موجود در فضای کسب و کار کشور، لاقط در کوتاه مدت و در سال جاری بعید است. این عدم تمایل در بخش‌های مختلف اقتصادی اعم از صنعت و مسکن کاملاً قابل پیش‌بینی است، اما در فعالیت‌ها و واسطه‌گری‌های مالی، این موضوع دور از ذهن نیست. در سال جاری، بنگاه‌های تولیدی برای تداوم بقای خود به نقدینگی نیازمندند و از آنجا که سیاست‌های بانکی ما به دلیل شرایط موجود اقتصادی انقباضی‌اند، معامله پول در کشور روندی فزاینده را طی خواهد کرد که نتیجه این امر، افزایش نرخ‌های بهره در بازار است. همین موضوع، متأسفانه به افزایش معاملات واسطه‌ای پول خواهد انجامید که آثار نامبارکی را بر اقتصاد بر جای می‌گذارد. در این شرایط، دولت حتی به کمک اوراق مشارکت هم نمی‌تواند به جلب سرمایه‌پردازد و ممکن است برخی طرح‌ها که نیازمند حضور مردم در اقتصادند، خدشه‌دار شوند. ■

کمتری برای استخدام خواهند داشت، زیرا با فرض بروز فشارهای هزینه‌ای به بنگاه‌ها، تولید کنندگان در درجه اول سعی می‌کنند عامل متغیر خود یعنی نیروی کار را تعدیل کنند. در چنین شرایطی نه تنها شاهد جذب نیروی کار نیستیم، بلکه بخش دیگری هم به کارجویان کشور افزوده می‌شود. دوم آن که در این شرایط که هنوز آینده روشنی از اوضاع اقتصاد کشور وجود ندارد و بسیار زود است که قضاوت کنیم آیا تولید توانسته خود را با اهداف متعالی طرح هدفمندی یارانه‌ها وفق دهد یا خیر، انتظار سرمایه‌گذاری‌های جدید مولد، انتظار بجایی نیست. مسأله سوم، احتمال اخراج و تعدیل نیروی کار است. مجموعه این عوامل باعث می‌شوند پیش‌بینی ما از نرخ بیکاری در سال ۹۰ افزایشی باشد.

در طرف دیگر، به دلیل شرایط رکودی بازار کار و کاهش تقاضای کار، سطح دستمزدها کاهش می‌یابد. البته دولت با اتخاذ تصمیم حداقل دستمزد، تا حدی جلوی این اتفاق را می‌گیرد، اما این تصمیم فقط میزان اخراج نیروی کار و توزیع کار بیشتر بین نیروی کمتر را ترویج می‌کند؛ تصمیمی که بهره‌وری را در نیروی کار تقلیل داده و بازدهی را پایین می‌آورد.

شاخص‌های کلان و احتیاط بازار

سیگنال‌های بازدارنده

پستی و بلندی رشد

بانک جهانی پیش‌بینی می‌کند در سال جاری نرخ رشد اقتصادی کشور به ۳ درصد برسد. افزایش سطح مصرف و هزینه‌های دولتی در سال ۹۰، در کنار ایجاد منابع برای سرمایه



گذاری‌های دولتی (از هر دو بُعد درآمدهای نفتی و منابع آزاد شده از هدفمندی یارانه‌ها)، با فرض افزایش میزان صادرات نفت - حتی با در نظر گرفتن افزایش سطح واردات - می‌تواند این نوید را بدهد که سطح درآمدهای ملی و محصول ناخالص داخلی افزایش یابند، اما احتمال آفت تولیدات در کشور و مشکلات بخش خصوصی، این پیش‌بینی‌ها را با تردید مواجه

متغیرهای اصلی اقتصاد، پیام‌های مثبتی را برای سال جدید ارسال نمی‌کنند.

هستند. پیش‌بینی نرخ تورم ۲۲/۲۵ درصدی توسط هیأت چشم‌انداز ماهنامه نیز از این حیث مورد استناد است. تورم مذکور در روندی متسلسل تا پایان سال ادامه خواهد یافت، به این صورت که افزایش نرخ تورم، قیمت تمام شده را در بخش‌های مختلف تولیدی افزایش می‌دهد و این مسأله به نوبه خود آتش تورم را شعله‌ورتر می‌کند. در این میان، نکته حایز اهمیت و البته خطرناک آن است که میزان شیب افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سال آینده تندتر است.

بررسی اثرات ریسک‌های موجود در سطح کلان اقتصاد کشور بر بخش‌های مختلف از مسایلی است که نباید از نظر دور نگه داشت. در حال حاضر، کشور ما از بُعد کلان با مشکلاتی مواجه است که تورم بالا، بیکاری گسترده و رشد اقتصادی پایین نمونه‌هایی از آنها هستند.

سفره‌های کمرنگ و گران

وقتی قیمت تمام شده

در همه بخش‌های اقتصادی افزایشی پیش‌بینی می‌شود، طبیعی است که نرخ تورم در کل جامعه افزایش یابد.



این افزایش با توجه به افزایش ۳۰ تریلیون تومانی حجم پول به دلیل تزریق نقدینگی ناشی از هدفمندی یارانه‌ها در سال آینده، می‌تواند سرعت رشد بالایی داشته باشد. البته بخشی از این مبلغ به دلیل افزایش قیمت حامل‌های انرژی، از کشور جذب شده و مجدداً به خزانه دولت برمی‌گردد، اما افزایش میزان تقاضای کالاهای مصرفی و افزایش تورم ناشی از فشار هزینه‌ها ۲ فاکتور مهم دخیل در رشد قیمت‌ها در سال آتی

مصیبت بیکاری

خروج شرکت‌های تولیدی و ورشکستگی آنها - به خصوص کارگاه‌های کوچک و متوسط که گردش مالی پایینی دارند - بر تعداد بیکاران جامعه می‌افزاید. بیکاری از چند جهت در



سال جاری تهدید کننده است. اول این که بخشی از جوانان، دانشجویان فارغ‌التحصیل، سربازان و به طور کلی تازه واردان به بازار کار، در این شرایط شانس

گرفتاری‌های طبقات جامعه



یارانه‌ای نیستند و چه بسا بسیاری از افراد، برای دریافت مبلغ یارانه نقدی ثبت نام نکرده باشند.

پول ایرانی و خارجی

سال ۹۰، سال بازی نرخ بهره در بازارهای غیررسمی پول است و این از خصوصیات شرایط انقباضی سیستم بانکی است که در آن، منابع مالی محدودند و تولید کنندگان، برای تأمین منابع به بازارهای غیررسمی روی می‌آورند. در سال جاری باید منتظر افزایش نرخ‌های بهره بازار بود. افزایش نقدینگی اتفاق نامبارک دیگری است که باید آن را کنترل کرد. از دیگر مواردی که احتمال وقوع آن کم نیست، هدایت منابع نقدینگی به بازارهای ارز و طلا است که با توجه به بازدهی خوبی که این بازارها - به خصوص طلا - در سال گذشته داشته‌اند، بسیار محتمل است.

بعید به نظر می‌رسد که دولت در سال جاری به اصلاح نرخ ارز دست بزند و لذا نمی‌توان افزایشی در نرخ دلار پیش‌بینی کرد و همچنان باید قیمت دلار را در ارقام کنونی با اندکی نوسان تثبیت کرد. متأسفانه این اصلاً به صلاح صادرات نیست، هر چند فشارهای موجود در بازار آزاد ارز می‌توانند به افزایش نرخ دلار منجر شوند.

صندوق داری و بانک

در سیستم بانکی بعید است نرخ‌های سود سپرده‌ها افزایش یابند، هر چند این اهم می‌توانست تا حدودی اثرات نقدینگی ناشی از هدفمندی را کنترل کند. پرداخت تسهیلات



نیز در تداوم روند سال‌های اخیر، ادامه خواهد یافت. مسأله مهم آن است که به دلیل بروز مشکلات جدید برای تولید کنندگان، حجم مطالبات معوق بانکی در سال جاری افزایش خواهد یافت و همچنین حجم چک‌های برگشتی، تهدید به مراتب جدی‌تری برای سال جاری بانک‌ها به شمار می‌رود. قرار است در سال ۹۰ سیستم بانکی اصلاح شود. با توجه به آن که اطلاعات خاصی در این زمینه در دست نیست، نمی‌توان پیش‌بینی خاصی از آن به عمل آورد، اما امید است سیستم‌های شناسایی ریسک و کنترل آن و سیستم‌های نظارت، دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرند تا مشکلاتی که از این ناحیه اقتصاد کشور را تهدید می‌کنند، برطرف گردند. ■

آثار آن دست و پنجه نرم می‌کنیم.

زیر خط فقر و بالای غنا

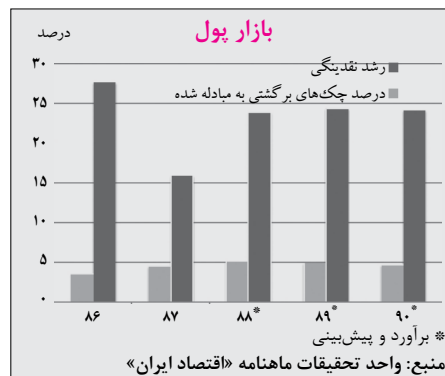
خطر افزایش خط فقر در کشور جدی است. دولت در سال‌های اخیر، تلاش بسیاری برای بهبود وضعیت معیشتی اقشار کم‌درآمد کرده است. سهام عدالت، هدفمندی یارانه‌ها



و پرداخت پول، نمونه‌هایی از اقدامات دولت در راستای بهبود شکاف‌های درآمدی‌اند. اما فراموش نکنیم که تورم، از مهمترین مواردی است که فقیر را فقیرتر می‌کند، حتی اگر درآمد اسمی‌اش افزایش یابد.

اگر آن گونه که پیش‌بینی می‌شود تورم افزایش یابد، خط فقر گسترده‌تر خواهد شد و مشکلات شکاف درآمدی بیشتر می‌گردند. البته وضعیت طبقات پایین درآمدی بهتر شده است، اما از بُعد درآمد اسمی، نه واقعی. به علاوه، اگر چه عدالت در نحوه توزیع یارانه‌های بنزین، نان، گاز و امثالهم برقرار شده است، اما هزینه‌های حمل و نقل و خورد و خوراک هم افزایش یافته‌اند. شما حساب کنید که مبلغی معادل ۸۱ هزار تومان به یک فرد از دهک‌های پایین درآمدی که ماهانه ۴۰۰ هزار تومان درآمد داشته است پرداخته‌ایم. هزینه روزی ۲ عدد نان برای این شخص ۳۰۰ تومان بود، حال به ۶۰۰ تومان رسیده است. به عبارتی فقط هزینه یک قلم جنس ۱۰۰ درصد افزایش یافته، در حالی که درآمد او ۲۰ درصد زیاد شده است. اگر همین موضوع را برای گاز، آب، برق، کرایه تاکسی و سایر موارد که در برخی حامل‌ها چند صد درصد افزایش بها را تجربه کرده‌اند، در نظر بگیرید، می‌بینید که نه تنها مشکل چندانی از این شخص حل نشده، بلکه دامنه مشکلاتش بیشتر هم شده است.

در دهک‌های بالای درآمدی هم همین طور است، با این تفاوت که فشارها در این دهک‌ها، فشار



می‌کند. گفتنی است پیش‌بینی هیأت چشم‌انداز «اقتصاد ایران» از این نرخ، رقم ۱/۶۲ درصد است که نسبت به پیش‌بینی قبلی این گروه از متخصصین ۰/۳۹ واحد درصد افزایش یافته است.

هدفمندی یارانه‌ها می‌تواند ابزاری برای افزایش رشد اقتصادی باشد و پیش‌بینی ما آن است که اتفاقاً در بلند مدت، بسیاری از مشکلات موجود برطرف شوند، اما تمام فرضیات و تحلیل‌ها فعلاً بر مبنای شرایط موجود اقتصادی و البته کوتاه مدت استوارند.

جیب دولت

آپک پیش از وقوع

انقلاب اعراب پیش‌بینی کرده بود در سال جاری، قیمت نفت به رقم ۱۰۰ دلار برسد. انقلاب‌های خاورمیانه، این رقم را افزایش داده‌اند و خروج جهان از رکود اقتصادی در سال جاری، آن را تشدید خواهد کرد.



این موضوع، درآمدهای نفتی دولت را افزایش می‌دهد و با توجه به درجه بالای وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی، خطر نفتی شدن اقتصاد بالا است. در این بخش، باید درآمدهای نفتی را فرصتی برای اقتصاد کشور تلقی کرد، اما اخبار بودجه قلم را کُند می‌کنند که نکند دولت قصد دارد همه هزینه‌های سال جاری را از محل نفت تأمین کند؟ متأسفانه باید گفت شواهد این موضوع را نشان می‌دهند و به همین دلیل است که باید زنگ خطر درآمدهای نفتی به صدا درآید.

دولت باید از محل فروش غیریارانه‌ای گاز، برق، آب، حامل‌های نفتی و موارد دیگر که تا پیش از این به آنها یارانه می‌پرداخت، هزینه‌ها را تأمین کند، حتی بخشی از درآمدهای ناشی از این اقدام را سرمایه گذاری کرده و در نهایت شرایط را تسهیل نماید، نه این که هنوز دنبال "نفت خوری" باشد. مضاف بر این که قرار است مالیات بر ارزش افزوده، امسال قوی‌تر از گذشته و با جدیت بیشتری از طرف دولت پیگیری شود.

یکی دیگر از اتفاقاتی که باید در مورد آن از گذشته درس بگیریم، آن است که اجازه ندهیم در شرایط افزایش قیمت نفت، سیاست‌های انبساطی، جایگزین سیاست‌های انقباضی موجود شوند. البته اگر سیاست‌ها در مسیر حمایت از رشد و شکوفایی تولید باشند قابل احترام‌اند، اما اگر قرار است سیاست‌های انبساطی باعث بر هم زدن اوضاع اقتصادی کشور گردند، باید مورد بازبینی قرار گیرند. افزایش نقدینگی یکی از این دردها است که قبلاً کشیده‌ایم و هنوز با